



۹۴۷۳۷



دانشگاه شیراز

مجتمع هنر و معماری

دانشکده معماری

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد معماری

## معماری امکان

«با رویکرد خاص به تعاملات اجتماعی و خویشن‌یابی در خانه»

کتابخانه تخصصی معماری  
دانشگاه شیراز

اساتید راهنما:

مهندس محمد حسین مسعودی

مهندس نریمان فرحزاد

اساتید مشاور:

دکتر هادی ندیمی

دکتر سید علی اکبر کوششگران

تهیه و تنظیم:

سمیه امیدواری

تابستان ۱۳۸۵

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۱۱

۹۴۷۳۹

تقدیم به

منجی عالم بشریت

آن بزرگمردی که همه در  
انتظار ظهورش هستیم.

و بار دیگر تقدیم به

پدر و مادرم

آنان که همه هستیم از  
وجودشان است.

### تشکر و قدردانی

سپاس پروردگاری که توانایی و قوت را در وجودم نهاد که بتوانم گامی را در جهت حرکت در مسیر رسالت خویش بردارم. در این مجال لازم می‌دانم تشکر خود را نسبت به همه اساتید و دوستانی که مرا در به انجام رساندن این رساله یاری کردند، ابراز دارم.

سپاس از اساتید ارجمند جناب آقای مهندس محمدحسین مسعودی و آقای مهندس نریمان فرحزاد که در این رساله پذیرای سوالات بی‌پایان من بودند و با صبر و شکیبایی حضور مرا در محضر خویش پذیرفتند و....

و سپاس از جناب آقای دکتر هادی ندیمی و آقای دکتر سید علی اکبر کوششگران که با راهنمایی‌های خویش راههای بسیاری را بر من گشودند و در سردرگمی‌ها هدایتگر من بودند و.... همچنین لازم می‌دانم از دیگر اساتیدی که به گونه‌ای در طول این رساله از راهنمایی‌های آنها بهره برده‌ام قدردانی نمایم؛ جناب آقای دکتر محمد رضا اولیاء، دکتر کاظم مندگاری، دکتر محمد حسین آیت‌اللهی و.... همچنین از سرکار خانم مهندس طائفی که قبول زحمت نموده و امکان همراهی مرا در بخش‌هایی از رساله فراهم آوردند.

برخود لازم می‌دانم که از پدر بزرگ و مادر بزرگم که با تجربیات شیرین خود مرا در حرکت در وادی معماری یاری رساندند و دو خواهرمهربانم اعظم و مریم که کلام آنها در طول دوران تحصیل و بخصوص در زمان گذراندن رساله مشوق اصلی من بوده است، قدردانی نمایم.

در نهایت تشکر خود را از همه عزیزان و دوستانی که مرا در انجام این رساله همراهی کردند ابراز می‌دارم؛ خانم‌ها شعری اولیاء، اعظم و اکرم نادری، محبوبه سلیمی، رضییه زارع، مریم ملک‌زاده، سمانه تقوایی، سمیه مسعودی و....

بارالها، بر محمد و آلش رحمت فرست و ایمان مرا به کاملترین مراتب ایمان برسان، و یقین مرا کاملترین یقین ساز، و نیتم را به درجه بهترین نیتها، و علمم را به بهترین عمل ترفیع ده.

بارالها، مهماتم را که باعث دل مشغولی من است کفایت کن، و مرا به کاری که فردا مورد سؤال قرار می دهدی وادار، و روزگارم را در آنچه برای آنم آفریده ای مصرف دار، و مرا بی نیاز ساز، و روزیت را بر من وسعت ده، و به نگاه کردن [به آنچه در دست مردم است] مبتلایم مساز، و عزیزم گردان، و مبتلای کبرم مکن، و بر بندگی خود رامم ساز، و عبادتم را به سبب خودپسندی تباه منمای، و خیر را برای مردم به دست من روان کن، و کار نیکم را به سبب منت نهادن باطل مساز، و اخلاق عالییه را به من مرحمت فرمای، و مرا از تفاخر و مباحثات نگه دار.

بارالها، مرا به هدایت گویا ساز، و به تقوی ملهم نمای، و به آنچه پاکیزه تر است موفق دار، و به کاری که پسندیده تر است بگمار.

بارالها، مرا به بهترین راه ببر، و چنان کن که به آیین تو بمیرم و زنده شوم.  
بارالها، مرا از رنج کسب و تحصیل روزی بی نیاز ساز، و رزق بی دریغ روزیم کن تا از عبادت تو به طلب رزق مشغول نگردم، و سنگینی و بال کسب روزی را به دوش نکشم و.....

## فهرست موضوعی

ج	چکیده .....
ح	پیشگفتار .....
خ	مقدمه .....

### فصل اول: نیازهای متغیر انسان در مسیر رشد و تکامل

۱	۱-۱ تعریف و تبیین نیاز رشد .....
۵	۱-۲ انواع نیازهای رشد .....
۱۵	۱-۳ مراحل مختلف رشد .....
۲۷	۱-۴ عوامل مؤثر در رشد .....

### فصل دوم: معماری امکان بستر پاسخگویی به نیازهای متغیر انسان

۳۲	۲-۱ تعریف و تبیین واژه امکان .....
۳۴	۲-۲ رویکردهای مطروحه نسبت به معماری امکان .....
۴۱	۲-۳ رویکرد این رساله به معماری امکان .....
۴۵	۲-۴ اصول معماری امکان در پاسخ به ادراکات متفاوت .....

### فصل سوم: «تعاملات اجتماعی و خویشن‌یابی» دو نیاز اساسی انسان در خانه

۴۹	۳-۱ انسان موجود اجتماعی .....
۵۷	۳-۲ خانواده کوچکترین هسته اجتماع .....
۶۲	۳-۳ خانه ظرف زندگی خانواده .....

### فصل چهارم: معماری امکان در جهت ارتقاء بستر «تعاملات اجتماعی و خویشن‌یابی» در خانه

۶۶	۴-۱ بستر مناسب «تعاملات اجتماعی و خویشن‌یابی» در مراحل مختلف رشد .....
۷۶	۴-۲ اصول معماری امکان در پاسخ به دو نیاز «تعاملات اجتماعی و خویشن‌یابی» .....
۸۷	۴-۳ قابلیت‌های خلق شده در معماری حاصل از اصول مطروحه .....

### فصل پنجم: طراحی خانه امکان از منظر «تعاملات اجتماعی و خویشن‌یابی»

۹۲	۵-۱ شخصیت خانه .....
۱۰۱	۵-۲ نقد و بازنگری دو اثر معماری از منظر امکان .....
۱۱۸	۵-۳ طراحی خانه .....
۱۴۸	نتیجه‌گیری .....

## فهرست تفصیلی

ج	چکیده
ح	پیشگفتار
خ	مقدمه
ز	چارچوب کلی تحقیق

### فصل اول: نیازهای متغیر انسان در مسیر رشد تکامل

۱	مقدمه
۱-۱	تعریف و تبیین نیاز رشد
۱-۲	انواع نیازهای رشد
۱-۲-۱	رشد جسمانی
۱-۲-۲	رشد نفسانی
۱-۲-۳	رشد عقلانی
۱-۲-۴	رشد اجتماعی
۱-۲-۵	رشد اخلاقی
۱-۲-۶	رشد عاطفی
۱-۳	مراحل مختلف رشد
۱-۳-۱	دوران جنینی (انعقاد نطفه تا تولد)
۱-۳-۲	هفت ساله اول (کودکی)
۱-۳-۳	هفت ساله دوم (کودکی دوم)
۱-۳-۴	هفت ساله سوم (نوجوانی و جوانی)
۱-۳-۵	دوران عقل عملی (جوانی و میانسالی) از ۲۲ تا ۴۰ سالگی
۱-۳-۶	دوران رشد معنوی (میانسالی، پختگی و پیری) از ۴۱ سالگی تا پایان عمر
۱-۴	عوامل مؤثر در رشد
۱-۴-۱	وراثت
۱-۴-۲	محیط
۳۰	مؤخره

## فصل دوم: معماری امکان بستر پاسخگویی به نیازهای متغیر انسان

۳۱	مقدمه.....
۳۲	۲-۱ تعریف و تبیین واژه امکان.....
۳۴	۲-۲ رویکردهای مطروحه نسبت به معماری امکان.....
۳۴	۲-۲-۱ رویکرد اول.....
۳۵	۲-۲-۲ رویکرد دوم.....
۳۶	۲-۲-۳ رویکرد سوم.....
۴۱	۲-۳ رویکرد این رساله به معماری امکان.....
۴۵	۲-۴ اصول معماری امکان در پاسخ به ادراکات متفاوت.....
۴۵	۲-۴-۱ سیر وحدت به کثرت و سیر کثرت به وحدت.....
۴۶	۲-۴-۲ تقرب (سناریوحرکت).....
۴۸	۲-۴-۳ کمال‌گرایی.....
۴۸	موخره.....

## فصل سوم: «تعاملات اجتماعی و خویش‌نمایی» دو نیاز اساسی انسان در خانه

۴۹	مقدمه.....
۴۹	۳-۱ انسان موجود اجتماعی.....
۵۰	۳-۱-۱ اهمیت زندگی اجتماعی.....
۵۲	۳-۱-۲ منشأ زندگی اجتماعی.....
۵۵	۳-۱-۳ گروه‌های مختلف اجتماع.....
۵۷	۳-۲ خانواده کوچکترین هسته اجتماع.....
۵۷	۳-۲-۱ مبدأ شکل‌گیری خانواده، ازدواج.....
۵۹	۳-۲-۲ اهمیت و جایگاه خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی.....
۶۰	۳-۲-۳ نیاز انسان به «تعاملات اجتماعی و خویش‌نمایی» در خانواده.....
۶۲	۳-۳ خانه ظرف زندگی خانواده.....
۶۲	۳-۳-۱ معنا و مفهوم خانه.....
۶۳	۳-۳-۲ غایت و اهمیت خانه.....
۶۴	۳-۳-۳ خانه محل اجتماع خانواده.....
۶۵	موخره.....

## فصل چهارم: معماری امکان در جهت بستر «تعاملات اجتماعی و خویش‌نمایی» در خانه

۶۶	مقدمه.....
۶۶	۴-۱ بستر مناسب «تعاملات اجتماعی و خویش‌نمایی» در مراحل مختلف رشد.....
۶۷	۴-۱-۱ بستر مناسب در مرحله اول رشد (جنینی).....
۶۸	۴-۱-۲ بستر مناسب در مرحله دوم رشد (هفت ساله اول).....
۷۰	۴-۱-۳ بستر مناسب در مرحله سوم رشد (هفت ساله دوم).....
۷۱	۴-۱-۴ بستر مناسب در مرحله چهارم رشد (هفت ساله سوم).....
۷۳	۴-۱-۵ بستر مناسب در مرحله پنجم رشد (دوره رشد عقلی).....
۷۴	۴-۱-۶ بستر مناسب در مرحله ششم رشد (دوره رشد معنوی).....
۷۶	۴-۲ اصول معماری امکان در پاسخ به دو نیاز «تعاملات اجتماعی و خویش‌نمایی».....
۷۶	۴-۲-۱ هندسه.....



۸۰	۴-۲-۲ تکثرگرایی و حرکت به سمت وحدت یافتگی
۸۲	۴-۲-۳ رابطه
۸۵	۴-۲-۴ تنوع
۸۶	۴-۲-۵ انعطاف پذیری
۸۷	۴-۳ قابلیت‌های خلق شده در معماری حاصل از اصول مطروحه
۸۸	۴-۳-۱ خلق کیفیت‌های متفاوت فضایی به واسطه ایجاد ویژگی‌های همزاد دو تایی
۸۹	۴-۳-۲ توانا کردن یک فضا به واسطه تغییر کیفیت‌های آن و خلق کیفیت‌های جدید
۹۰	۴-۳-۳ امکان تغییر کیفیت یک فضا به واسطه امکان تلفیق و ترکیب آن با فضاهای مجاور
۹۱	موخره

### فصل پنجم: طراحی خانه امکان از منظر «تعاملات اجتماعی و خویشتن یابی»

۹۲	مقدمه
۹۲	۵-۱ شخصیت خانه
۹۳	۵-۱-۱ شخصیت خاص خانه
۹۵	۵-۱-۲ شخصیت بیرونی خانه
۹۶	۵-۱-۳ شخصیت درونی خانه
۱۰۱	۵-۲ نقد و بازنگری دو اثر معماری از منظر امکان
۱۰۲	۵-۲-۱ خانه با الگوهای مرکزی
۱۱۰	۵-۲-۲ خانه مهندس فرحزاد
۱۱۸	۵-۳ طراحی خانه
۱۱۸	۵-۳-۱ بررسی و شناخت مکان طرح
۱۲۸	۵-۳-۲ روند طراحی و ارائه الگوهای طرح
۱۴۷	موخره
۱۴۸	نتیجه گیری
۱۴۹	فهرست تصاویر
۱۵۰	فهرست منابع و مآخذ

### چکیده رساله

انسان در هستی در پی دستیابی به غایت و هدف خویش و رسیدن به کمال، با نیازهای بسیاری در درون خود مواجه می‌شود. این نیازها در انسان واجد و جوه متغیر است که با رشد و تحول انسان چگونگی پاسخگویی به آنها متفاوت می‌باشد.

معماری به عنوان بخشی از محیط و ظرف زندگی انسان نقش موثری در شکل دهی به رفتارهای انسان و پاسخگویی به نیازهای وی داشته است. این معماری در مقام خویش باید بتواند بستر مناسب رشد و تکامل انسان را فراهم آورد.

بدون شک معماری نمی‌تواند جهت هماهنگ شدن با نیازهای متغیر افراد با آنها همراهی و در مراحل مختلف رشد و تکامل تغییر یابد. چرا که معماری واجد کالبدی ثابت است. لذا باید در جستجوی نوعی معماری بود که بتواند تغییرات متداوم و مختلف افراد را در درون خود بپذیرد. معماری‌ای که به جای ارائه یک پاسخ مشخص و محدود برای هر نیاز انسان به ارائه قابلیت‌های متفاوت در محیط در پاسخ به نیازهای مختلف افراد بپردازد.

این گونه معماری می‌تواند قابلیت‌های محیط را چنان افزایش دهد که افراد گوناگون بتوانند در پاسخ به نیازهای متفاوت خویش به تعاملات مناسب با آن دست یابند. بنا به گرایش و تاکید خاص این گونه معماری به افزایش قابلیت‌ها و امکانات محیطی، می‌توان آن را به عنوان معماری امکان مطرح و تبیین نمود. در رابطه با معماری امکان رویکردهای متفاوتی مطرح بوده است. این رساله به طرح دیدگاهی خاص درباره معماری امکان می‌پردازد که مصادیق آن نگاه را می‌توان در معماری گذشته دنبال کرد.

نیاز انسان به «تعاملات اجتماعی و خویشتن‌یابی» دو نیاز اساسی انسان به عنوان یک موجود اجتماعی می‌باشد. از سویی خانه یکی از مهمترین مکان‌هایی است که انسان عمده زمان خود را در آنجا سپری می‌کند و پذیرای بیشترین تغییرات و تحولات در انسان است. لذا توجه به این دو وجه از نیازهای انسان در خانه واجد اهمیت می‌باشد.

هدف این رساله با رویکرد خاص امکان بر آن است که به ارائه راهکارهایی بپردازد که با بکارگیری آنها، قابلیت‌های محیط را در راستای ارتقاء بستر «تعاملات اجتماعی و خویشتن‌یابی» در خانه افزایش دهد.

## پیشگفتار

غالباً موضوع هر رساله از دل مجموعه ای از دغدغه‌های شخصی مولف آن در طول دوران زندگی و به خصوص تحصیل وی حاصل خواهد آمد. مولف این رساله دغدغه‌های بسیاری را پشت سر گذاشته تا توانسته به طرح و تبیین «معماری امکان» از منظر خویش بپردازد.

نطفه و آغاز شکل‌گیری این موضوع در ذهن وی را شاید بتوان به قبل از وارد شدن او به رشته معماری و حضور او در دانشکده معماری یزد دانست؛ شاید دوران راهنمایی، دبیرستان و... یکی از دغدغه‌ها و مسأله‌هایی که او همیشه با آن مواجه و درگیر بود، تقابلی بود که بین حضور وی در فضاهای شخصی با تعاملات خود با خانواده اش حس می‌کرد و... به نظر او حضور وی در فضاهای شخصی و رسیدگی به تکالیف خود باعث جدا شدن و یا دور شدن وی از خانواده‌اش می‌شد. بنابراین حضور در فضاهای شخصی نمی‌توانست آن تعلق خاطر مناسب را در وی ایجاد کند.

این دغدغه‌ها همچنان ذهن مولف را به خود مشغول داشته تا اینکه در دانشکده معماری یزد پذیرفته شد. حضور در معماری‌ای بسیار متفاوت با آنچه را که تاکنون در آن زندگی کرده بود و ادراک تجربه‌های مطلوب فضایی در آن معماری، تعلق خاطری را نسبت به آن معماری در وی ایجاد کرد و تصمیم گرفت تا از تجربه‌های فضایی آن معماری در طراحی خویش بهره گیرد.

برای بهره‌گیری از تجربیات این معماری، اولین گام مشق کالبدی و فضایی آن معماری بود. در میان حضور در مصادیق مختلف آن معماری، یکی از تجربیات ادراکی بسیار مناسب و دلنشین برای وی، حضور در بخش‌هایی از خانه محمودی (فضاهای نشیمن شکم دریده و اتاقهای مجاور آن) بود. این تجربه به مولف نشان داد که چگونه زندگی می‌تواند به شکل مطلوبی در این خانه جریان داشته باشد؛ در حالی که امکان حضور خانواده در عرصه جمعی خانه فراهم است هر یک از افراد در فضاهای شخصیشان می‌توانند با عرصه حضور والدین تعاملات مناسبی را داشته‌باشند.

تجربه حضور در این فضا و بسیاری از فضاهای دیگر از این قبیل او را به سمت پاسخ مسئله ذهنی اش سوق می‌داد. ظاهراً آنچه را که او همیشه به عنوان یک مشکل شخصیتی خود می‌دانست، ناشی از مسأله معماری‌ای بود (جایگاه و رابطه نامناسب عرصه جمعی خانه با عرصه‌های خصوصی خانه) که در آن زندگی می‌کرد.

مشق معماری خانه محمودی در تجربیات طراحی خویش و قیاس آن با خانه‌ای که در آن زندگی می‌کرد کم کم وی را به درک غنای توانایی‌های آن معماری (معماری سنتی) و فقر توانایی‌های معماری محل سکونت خود متوجه می‌کرد. در طراحی معماری (۲) با موضوع مسکن سعی کرد تا تجربه‌های ایده‌آل‌های ذهنی خویش را یک بار به خط کشیدن درآورد. او در این تجربه متوجه شد که می‌تواند به جای خلق یک فضای خاص و مشخص در پاسخ به هر نیاز خویش به خلق قابلیت‌های متفاوت در محیط در پاسخ به آن نیازها بپردازد و...

آن تجربیات متفاوت معماری در طول دوران تحصیل او را به سمت گونه‌ای از معماری با نگرش خاص؛ «معماری امکان» هدایت کرد. نگرشی که منشا شکل‌گیری آن از یک مسأله معماری آغاز شد و کم‌کم به مقوله‌ای فراتر از معماری قابل تسری بود بطوریکه می‌توانست به عنوان یک نگاه در کل زندگی جریان داشته باشد و...

بدون شک لازم است اشاره گردد که، راهنمایی‌های جناب آقای دکتر کوششگران در پیوند دادن دغدغه‌های ذهنی مولف و طرح موضوع رساله نقش موثری داشته است.

## مقدمه :

داستان زندگی انسان با قصه یکی بود یکی نبود آغاز شد و انسان آن روزگاری را به یاد می‌آورد که هیچ نام و نشان یا اثری از وی نبود و به گفته قرآن کریم:

«هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکوراً»<sup>۱</sup>

«آیا آدمی روزگاری را به یاد می‌آورد که چیز نام بردنی نبود و روزی این عدم به وجود تبدیل شد؟»

و باز به گفته قرآن کریم روزی این عدم به وجود تبدیل شد و خداوند روح خود را در او دمید و نعمت وجود را به انسان بخشید.

«ولقد خلقنا الانسان من سلاله من طین (۱۲) ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین (۱۳) ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه مضغه، فخلقنا المضغه عظاماً، فکسونا العظام لحماً، ثم انشانا خلقاً آخر، فتبارک ا... احسن الخالقین (۱۴)»<sup>۲</sup>

«انسان را از مایه‌ای از گل آفریدیم سپس او را به صورت نطفه‌ای در قرارگاهی استوار کردیم. پس از آن، نطفه را خون بسته کردیم و خون بسته را گوشت پاره کردیم و گوشت پاره را استخوان کردیم، و استخوانها را گوشت پوشانیدیم، آنگاه وی را خلقتی دیگر پدید کردیم، پس بزرگ است خداوند که بهترین آفرینندگان است.»

و خداوند انسان آن عصاره و فشرده جهان هستی، اشرف مخلوقات خویش را در مقام بهشت آفرید و انسان روزگاری را در آن مأمّن و مقام اصلی خویش آرام گرفت و زندگانی را در آنجا سپری کرد تا آنگاه که انسان آن سیب ممنوعه را گاز زد و از مقام اصلی خویش و از مقام بهشت نزول یافت و به عالم طبیعت هبوط<sup>۳</sup> کرد. اما عالم ماده و طبیعت نه در مقام عالم بهشت بلکه فاصله‌ای بسیار با آن داشت و دور افتادن انسان از آرام جای دردی بود که انسان هبوط یافته در سینه داشت و دغدغه بازگشت به آن مقام را دوباره در سر می‌گذارند.

و انسان بار دیگر آن عهد ازلی و پاسخی قالوا بلی را به خاطر می‌آورد و بندگی خویش را در درون متذکر می‌شود. او می‌داند که در هستی عبد پروردگار خویش است و برای آنکه بتواند به مقام عبودیت خویش دست یابد، باید که رشد کند و هدایت شود و در سایه رشد است که او می‌تواند به مقام اصلی خویش باز گردد. لذا میل به بازگشت به آن آرام جای انگیزه حرکت به سوی کمال را در وی ایجاد کرد.<sup>۴</sup>

و آری خداوند انسان را آفرید که خود را بشناسد و به کمال انسانی و الهی خویش دست یابد.

«یابن آدم خلقته الاشیاء لاجلکم و خلقتکم لاجلی»<sup>۵</sup>

جهان هستی را به خاطر تو آفریدیم (تا در خدمت تو باشد) و تو را به خاطر خودم آفریدم (تا مرا بشناسی و به جانب من بیایی).

۱- سوره مبارکه انسان، آیه شریفه ۱.

۲- سوره مبارکه مؤمنون، آیات شریفه ۱۲، ۱۳، ۱۴.

۳- «هبوط از نظر لغت یعنی نازل شدن، فرود آمدن از بلندی و قرار گرفتن در مکان یا حالت فروتری است» (سوره مبارکه بقره، آیات شریفه ۳۶، ۳۵). اساساً می‌توان هبوط آدم را از بهشت به فضای تنزل مقام معنوی در واقع گذر از حالی به حالت دیگر بیان داشت. همچنین در قرآن کریم ۲۵ بار نام آدم نکر شده، تفصیل آفرینش او ۶ مورد، موضوع هبوط نیز در ۳ مورد. آیات ۳۸-۳۰ سوره مبارکه بقره نیز ناظر بر داستان خلقت آدم تا هبوط او بر زمین است. طاهری، جعفر، بازخوانی فرازی از حکایت خانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، ۱۳۸۱، منتشر نشده، ص ۱۲.

۴- گرچه غایبی ترین هدف انسان از رشد یافتن دستیابی به کمال می‌باشد. اما رشد واجد هدفهای مترتب دیگری نیز می‌باشد که ابتدائی‌ترین آن را سازگاری و همگام شدن با عالم طبیعت و در مقام فراتر خودشکوفایی و نهایی‌ترین و اصلی‌ترین آن همانطور که اشاره گردید دگرگونیهای رشدی انسان و هرچه نزدیکتر شدن به کمال بی‌نهایت و رسیدن به مقام عبودیت و قربت حق می‌باشد که در اسلام بیشترین توجه به آن شده است و در قرآن از درجات و مراحل مختلف این هدف با تعابیر مختلفی همچون «رستگاری بزرگ»، «بهشت‌ها و باغهای جاویدان»، «به رضوان و خشنودی خداوند رسیدن» و «به مقام قرب خاص خداوند دست یافتن» یاد شده است.

۵- مجموعه رسائل (۸۱۹) (از حکیم سبزواری)

«افصبتم انما خلقناكم عبثا و انکم الینا لاترجعون»<sup>۱</sup>

آیا چنین پنداشتید که ما شما را به عبث و بازیچه آفریده‌ایم و هرگز به سوی ما رجوع نخواهید کرد؟ انسان برای بازگشت به مقام اصلی خویش به درون خود می‌نگرد؛ به استعدادهایش و به تواناییهایش. او می‌داند تنها در صورتی می‌تواند رشد کند به مقام اصلی و کمال حقیقی خویش باز گردد که استعدادهای خویش را در مسیر صحیحی هدایت کند و به نیازهای درونی اش به شکل مناسبی پاسخ گوید.

انسان موجودی است پیچیده که در مسیر عبودیت و بندگی خویش و در حرکت به سوی رشد با نیازهای متفاوتی در درون خود مواجه می‌شود.<sup>۲</sup> انسان از آن زمان که به صورت نطفه ای در رحم مادر است تا آنگاه که قدم در این دنیا می‌گذارد، راه رفتن را آغاز می‌کند، دوران کودکی خویش را سپری می‌کند و به عنفوان جوانی می‌رسد، ازدواج می‌کند و صاحب فرزندان می‌شود و ... در همه این مراحل تحول و تکامل با نیازهای متفاوتی در درون خویش مواجه می‌شود. اگرچه غایت پاسخگویی به این نیازها در مراحل مختلف رشد، نزدیک شدن و دستیابی انسان به آن وجه کمالی خویش می‌باشد، اما چگونگی پاسخگویی به آن نیازها در مراحل مختلف متفاوت خواهد بود.

با توجه به نیازهای متغیر انسان در حرکت به سوی رشد این پرسش در ذهن او مطرح می‌گردد که آیا انسان می‌تواند به تنهایی این رسالت هدایت را بدوش کشد و به مقام عبودیت دست یابد. اگرچه انسان در راستای پاسخگویی به نیازهای متغیر خویش، فطرتا در مسیر صحیحی گام بر می‌دارد اما ناگزیر غفلت‌های زیادی او را فرا می‌گیرد و او را از نیل به حقیقت باز می‌دارد لذا انسان در این مسیر نیاز به هدایت و راهنمایی دیگران دارد تا بستر مناسب جهت حرکت وی فراهم آید.<sup>۳</sup>

پس پیغمبران آمدند و قرآن بر انسان نازل آمد، امامان آمدند و همه آمدند که به گونه‌ای غفلت را از انسان بزدایند و او را در وادی حق حرکت دهند؛ طبیعت، آسمان، خورشید، گردش روزها و همه و همه دست به دست هم دادند تا غفلت را از انسان بزدانند.

اما در وادی حق انسان خود چه رسالتی را به دوش می‌کشد و چه مسئولیتی را به عهده دارد؟ او که به لحاظ قوای روحانی در مرتبه‌ای فراتر از طبیعت قرار دارد چگونه می‌تواند دوش به دوش امامش، انسان و جامعه‌اش را هدایت کند؟

آیا مگر نه آنکه انسان خود به عنوان خلیفه ... مسئولیت و رسالت این هدایت را بر عهده دارد و در زمان غیاب امامش خود باید بتواند جامعه خویش را به مقصد برساند؟ پس او چگونه می‌تواند انسان را در این مسیر یاری رساند؟

« و ان قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه ..... »

آن هنگام که پروردگار تو به ملائکه فرمود من خلیفه در زمین خواهم گماشت.<sup>۴</sup>

در این هستی شاید هر یک از افراد به فراخور جایگاهشان به گونه‌ای این رسالت عظیم را به عهده می‌گیرند. اگر چه همه دارای اهداف مشترکی هستند اما هر انسانی بسته به مقام خویش به گونه‌ای در جهت به انجام رساندن رسالت خویش در تلاش است.

۱- سوره مبارکه مؤمنون، آیه شریفه ۱۱۵.

۲- اگر چه نیازهای انسان از منظر جهان بینی های مختلف واجد تعابیر متفاوتی می‌باشد ولی از منظر جهان بینی اسلامی و از نگاه این تحقیق انسان دارای نیازهای متفاوتی می‌باشد که پاسخگو یی به آنها در جهت دستیابی وی به رشد می‌باشد و در حقیقت در سایه رشد است که انسان می‌تواند به کمال واقعی اش نزدیک شود. لذا بر اساس این تعبیر می‌توان نیاز های انسان را در دستگاه نظام رشد مورد مطالعه قرار داد.

۳- در صورتی انسان می‌تواند در حرکت فطری خویش به سوی کمال بدون لغزش و انحراف از مسیر اصلی خویش حرکت کند که محیط و بستر رشد انسان در انطباق با خواسته های فطری او باشد.

۴- سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۳۰

و تو ای انسان که رسالت هدایت را به دوش می‌کشی آیا تو نیز همچون پیغمبرت به نصیحت می‌نشینی و یا همچون امامت موعظه می‌کنی یا آنکه زبان تو به گونه‌ای و بیان تو نیز به گونه‌ای دیگر است. هدایت انسانها لزوماً به زبان گفتار نیست. گو اینکه هر یک از انسانها بسته به مقام خویش بیانی مخصوص به خود دارند. شاید یک نویسنده دست‌نوشته‌هایش این رسالت را به انجام رساند و یک شاعر شعرهایش. اما یک انسان در مقام معمار بیانش نه یک بیان گفتاری که این بار معماری‌اش باید خود به زبان درآید و موعظه و هدایت کند و...

و این بار خشت خشت معماری من است که به زبان درمی‌آید بگونه‌ای که با وجود مخاطبش در هم آمیخته و هستی خود را به وی انتقال می‌دهد. این معماری است که می‌تواند چون دست نوشته‌های یک نویسنده در غیاب هنرمندش رسالت خویش را به انجام رساند و این بار معمار است که در مقام مربی جامعه‌اش را هدایت می‌کند. اما معماری چگونه می‌تواند این رسالت را به انجام رساند و انسان را در این مسیر یاری رساند؟ بی شک تاثیر معماری بر رفتار انسان بسیار بطنی و آرام می‌باشد و غالباً در میان دیگر عوامل موثر بر انسان نادیده گرفته شده و به فراموشی سپرده می‌شود اما معماری به عنوان ظرف زندگی و بستر رشد انسان نقش مهمی در همراهی انسان در این مسیر داشته است. در حقیقت معماری با ایجاد قابلیت‌ها و تعینات مناسب رفتاری انسان، او را در حرکت در این مسیر (به سمت آن وجه کمالی خویش) یاری می‌رساند. اما بار دیگر معمار این سوال را در ذهن خود می‌گذراند که او چگونه می‌تواند قابلیت‌های مناسب در معماری را متناسب با احوالات درونی افراد در مراحل مختلف رشد و تکامل انسان فراهم آورد؟<sup>۱</sup> معمار در مقام خویش برای آنکه بتواند رسالت خویش را به شکل مناسبی به انجام رساند باید بتواند با خلق قابلیت‌هایی مناسب در فضا بستر مناسب جهت پاسخگویی به نیازهای متغیر انسان و رشد وی را فراهم آورد. لذا بار دیگر معمار این سوال را در ذهن خود می‌گذراند که او چگونه می‌توان این قابلیت‌ها را خلق کند؟ و یا معماری با توجه به ویژگی ثابت بودنش (عدم انعطاف پذیری) چگونه می‌تواند بستر مناسب رشد را برای افراد با نیازهای متغیر آنها در مراحل مختلف رشد و تکامل فراهم آورد؟ لذا ضرورت دستیابی به معماری که با این وجه متغیر انسان سازگار باشد، وجود داشته است.

در جامعه امروز غالباً حرکت تکاملی انسان در جهت رشد و رسیدن به کمال رنگ باخته و کم‌کم به دست فراموشی سپرده می‌شود، پاسخگویی به نیازهای انسان نیز در حد نیازهای اولیه و ملموس محدود گشته است. به تبع آن، معماری در حد پاسخگویی به نیازهای عملکردی (عملکردهای استاندارد شده) تنزل یافته و تنها پاسخگو به بخشی از نیازهای اولیه انسان می‌باشد. این معماری عملکردی نیز غالباً بدون توجه به ذائقه‌ها و خلیقات متفاوت افراد طراحی می‌شود.

بی شک معماری نمی‌تواند جهت هماهنگ شدن با نیازهای انسان و همراهی با او در هر مرحله از رشد و تکامل وی تغییر یابد. چرا که معماری واجد یک کالبد ثابت می‌باشد. بنابراین ناگزیریم به خلق معماری بپردازیم که اگر چه قابل‌تغییر نمی‌باشد اما چنان از قابلیت غنی می‌باشد که بتواند نیازهای متغیر افراد را در درون خود پذیرا باشد و امکان پاسخگویی به کلیه آن نیازها را در درون خود فراهم آورد.

معماری امکان به عنوان فرضیه این تحقیق در پاسخ به سوال فوق مطرح خواهد شد. اهداف معماری با رویکرد امکان‌بی‌شک در ادامه رسالت معماری می‌باشد با این تفاوت که در این رویکرد به افزایش قابلیت‌ها معماری می‌پردازد تا فضا را چنان توانا کند تا افراد با خلیقات و روحیات متفاوت بتوانند در هر مرحله از رشد و تکامل خود به یک تعامل مناسب با

---

۱- همان طور که اشاره شد اگرچه افراد مختلف به طور فطری واجد نیازهای یکسان و بسیار شبیه به هم در جهت رسیدن به غایت هدف خویش می‌باشند اما چگونگی پاسخگویی به آن نیازها در میان افراد با خلیقات و روحیات مختلف متفاوت بوده است. بنابراین معمار به عنوان بستر ساز مناسب باید بتواند امکان پاسخگویی به این نیازهای متغیر انسان را در درون خود فراهم آورد.

محیط دست یابد.

در رابطه با معماری امکان رویکردهای متفاوتی مطرح بوده است و در هر رویکرد بسته به غایت نگاه به انسان و نیازهای وی و از سویی چگونگی خلق این قابلیت ها در معماری واجد تمایزاتی با یکدیگر می باشند. نگاه این رساله به معماری امکان در ادامه رویکرد معماری گذشته مطرح خواهد شد. با این تفاوت که در معماری گذشته معماری امکان در نتیجه یک نوع نگاه حاصل شده است تحقق معماری امکان از این منظر نیاز به ارائه راهکارها و تمهیداتی از سوی مقوله ای فراتر از معماری داشته است و در ظرف این رساله قرار نخواهد گرفت. لذا ناگزیریم با دستیابی به ویژگی های از معماری امکان به خلق این معماری و افزایش قابلیت ها در محیط پردازیم.

بی شک ارائه راهکارها و اصول جهت دستیابی به معماری امکان نمی تواند به عنوان یک راه حل ایده آل و نهایی مطرح باشد چرا که معماری در نتیجه تفکر و بینش یک جامعه شکل می گیرد و ایجاد یک رویکرد جدید در معماری نیاز دارد که در هماهنگی با بسترفکری جامعه خویش باشد و بدون هماهنگی با بستر خود، برای معماری موفقیت چندانی حاصل نخواهد آمد. با تمام این مسائل تلاش این رساله بر آن است که با ارائه راهکارهای معماری، در حین پاسخگویی به سوال فوق، نگاه مردم را نیز به آرامی اصلاح نماید. از آنجا که معماری امکان واجد توانایی های بسیاری در درون خود می باشد که می تواند به وجوه متفاوت نیازهای متغیر انسان پاسخ گوید این رساله در پی آن است که با توجه به گستردگی موضوع تنها بخشی از وجوه چند گانه این معماری را مورد شناسایی قرار دهد.

خانه یکی از مهمترین مکان هایی است که انسان بخش عمده زندگی و دوران رشد و تحول خود را در آن سپری می کند و بنابراین باید بتواند تغییرات متداوم انسان را در درون خود پذیرا باشد. از سویی ضرورت پاسخگویی به دو نیاز اساسی تعاملات اجتماعی و خویشتن یابی در خانه برای انسان به عنوان یک موجود اجتماعی وجود داشته است. لذا این رساله بر آن است تا به بررسی اصول و ویژگی های از معماری امکان پردازد که بکارگیری آنها در معماری می تواند قابلیت های فضا را در جهت تعاملات اجتماعی و خویشتن یابی بهتر در خانه افزایش دهد.

این رساله با هدف پاسخگویی به نیازهای فوق و دستیابی به این ویژگی ها، در پنج فصل به بررسی و تبیین موضوع می پردازد.

در فصل اول؛ به طرح موضوع می پردازد و با مطرح کردن نیازهای متغیر انسان در مسیر تحول و تکامل و از سویی نقش محیط در یاری رساندن انسان در پاسخگویی به این نیازها به طرح سوال تحقیق می پردازد.

در فصل دوم؛ با ارائه فرضیه معماری امکان به تبیین رویکردهای مطروحه نسبت به این معماری و در نهایت به معرفی و تبیین رویکرد خاص این رساله می پردازد.

در فصل سوم؛ جهت تحدید موضوع به بررسی اساسی ترین نیاز انسان در خانواده، که نیاز به تعاملات اجتماعی و خویشتن یابی می باشد پرداخته و به اهمیت خانه در پاسخگویی به این دو نیاز اشاره می کند.

در فصل چهارم؛ نیز با توجه به شناختی که در فصول گذشته (اول و سوم) نسبت به انسان و نیازهای وی حاصل آمد به بررسی اصول و معیارهایی در معماری امکان می پردازد که می تواند انسان را در پاسخگویی به این دو نیاز اساسی وی «تعاملات اجتماعی و خویشتن یابی» در مراحل مختلف رشد و تکامل یاری رساند و در نهایت به تبیین اصول بدست آمده می پردازد.

در فصل پنجم؛ نیز برای عینیت بخشیدن به مباحث نظری مطروحه اقدام به طراحی می کند. این طراحی از منظر امکان و با رویکرد خاص به تعاملات اجتماعی و خویشتن یابی می باشد. در مقوله طراحی نیز تلاش در جهت نزدیک شدن به معماری امکان انجام گرفته است و بی شک این معماری همچنان قابلیت هایی را در درون خود جهت کامل شدن و افزایش پتانسیل های داشته است.

## تعیین چارچوب کلی تحقیق

جهت تبیین بهتر و روشن تر مساله‌های طراحی و رسالت این رساله لازم است به طور مجزا به بیان هریک از مقولات طرح مساله، سوال تحقیق، هدف رساله و... پرداخته شود.

### • طرح مساله

نیازهای انسان واجد وجوه متفاوت می‌باشد که چگونگی پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر انسان در افراد با خلیات و روحیات متفاوت در مراحل مختلف رشد و تکامل متمایز می‌باشد. معماری به عنوان بخشی از محیط، باید بتواند انسان را در پاسخگویی به نیازهایش یاری رساند و بستر مناسبی را برای رشد و تکامل وی را فراهم آورد. در جامعه امروز که حرکت تکاملی انسان در جهت رشد و رسیدن به کمال، رنگ باخته و کم‌کم به دست فراموشی سپرده می‌شود، معماری نیز به تبع آن در حد پاسخگویی به نیازهای اولیه و عملکردی تنزل یافته است. این معماری نه تنها پاسخگو به کلیه نیازهای انسان نمی‌باشد بلکه در پاسخگویی به نیازهای عملکردی نیز به روحیات و خواسته‌های افراد بی توجه است.

این مساله در مکان‌هایی مانند خانه که افراد با رده‌های سنی مختلف در آن حضور داشته و با هر مرحله از تحول و تکامل نیازهایشان متغیر خواهد شد بسیار موضوعیت داشته است، چرا که خانه به عنوان ظرف زندگی انسان باید پذیرای این تغییرات متداوم در انسان باشد.

### • سوال تحقیق

- معماری با توجه به ویژگی ثابت بودنش چگونه می‌تواند پذیرای نیازهای متفاوت انسان در مراحل مختلف رشد و تحول باشد؟

- معماری با توجه به ویژگی ثابت بودنش چگونه می‌تواند بستر مناسب‌تری برای این تغییرات اساسی و متداوم انسان در درون خود داشته باشد؟

### • فرضیه

- معماری امکان، گونه‌ای از معماری است، که با افزایش قابلیت‌های محیط، افراد مختلف را در پاسخگویی به نیازهای متغیرشان یاری می‌رساند.

- معماری امکان، گونه‌ای از معماری است، که با افزایش قابلیت‌های محیط، معماری را چنان توانا می‌کند که افراد مختلف بتوانند در پاسخگویی به نیازهایشان به یک تعامل مناسب با محیط دست یابند.

### • تحدید مسأله

انسان واجد نیازهای متغیری می‌باشد. دستیابی به وجوه متفاوت توانایی‌های معماری امکان جهت پاسخگویی به کلیه این نیازها از توان این رساله خارج بوده است. با توجه به اهمیت و ضرورت نقش خانه به عنوان بستر اساسی این تغییرات و تحولات در انسان و از سویی نیاز اساسی انسان به تعاملات اجتماعی و خویشتن‌یابی؛ به عنوان دو نیاز اساسی وی به عنوان یک موجود اجتماعی، پاسخگویی به این دو نیاز اساسی انسان در خانه واجد اهمیت می‌باشد. بنابراین لازم است معماری امکان بستر مناسب پاسخگویی به این دو نیاز اساسی را در خانه فراهم آورد؟ لذا می‌توان به محدود کردن سوال تحقیق پرداخت.

- سوال فرعی تحقیق: معماری امکان چگونه می‌تواند افراد مختلف را در پاسخگویی به این دو نیاز اساسی آنها در خانه به شکل مناسب‌تری یاری رساند؟



- فرضیه فرعی تحقیق: معماری امکان با جایگاه مناسب دادن به بعضی از اصول معماری (کمال گرایی، هندسه، کثرت به وحدت، رابطه و ...) می تواند قابلیت های فضا را در جهت تعامل مناسب افراد با محیط در پاسخگویی به این دو نیاز اساسی آنها یاری رساند.

#### • هدف از اجراء

- دستیابی به معماری که بتواند بستر مناسبی را جهت پاسخگویی به نیازهای متغیر انسان فراهم آورد.  
- دستیابی به اصولی که با به کارگیری آنها در معماری بتوان بستر مناسب تعاملات اجتماعی و خویشتن یابی را در خانه فراهم آورد.  
- احیاء یک نگاه که در معماری وجود داشته و اکنون رنگ باخته است.

#### • کاربرد نتایج تحقیق

- دستیابی به الگوهایی از خانه که امکان مناسبتری در پاسخگویی به دو نیاز تعاملات اجتماعی و خویشتن یابی افراد فراهم می آورند.  
- ارائه الگوهایی بازنگری شده از مسکن امروز (خانه های ۳۰-۲۰ پال اخیر) در جهت افزایش امکان تعاملات اجتماعی و خویشتن یابی در خانه.

#### • کلمات کلیدی

changeable need  
affordance architectur. practical architectur  
social intraction and self-under standing  
house

- نیازهای متغیر  
- معماری امکان  
- تعاملات اجتماعی و خویشتن یابی  
- خانه

- عنوان رساله، معماری امکان «با رویکرد خاص به تعاملات اجتماعی و خویشتن یابی درخانه»

Practical architectur(With specific approach to social intraction and self-under standing in house)

#### • روش تحقیق

دراین پژوهش ابتدا با مطالعات توصیفی به بررسی و شناخت انسان و غایت هدف او و شناخت نیازهای متغیر وی می پردازد. با نقد معماری امروز در پاسخگویی به نیازهای انسان به بررسی سوال تحقیقی پژوهش و در ادامه جهت روشن شدن فرضیه برای سوال پژوهشی فوق به مطالعات اکتشافی می پردازد. با تبیین فرضیه جهت تحدید موضوع، با مطالعات کتابخانه ای به بررسی وجوه خاصی از نیازهای انسان می پردازد و در نهایت با مطالعات تحلیلی صورت گرفته بر روی مباحث تئوری به ارائه اصول و راهکارهای مورد نظر دست می یابد. در ادامه سعی بر آن دارد تا اصول مطروحه را به گونه ای در طرح به کارگیرد.

#### • سابقه تحقیق

- جان لنگ در بخشهایی از کتاب خود به نام آفرینشهای نظریه معماری از منظر خود به اهمیت نقش محیط در شکل دهی به رفتار انسان و توجه به نیاز های فردی و جمعی افراد پرداخته است. اما در بیان سابقه تحقیق با عنوان معماری امکان می توان به موارد ذیل اشاره داشت.  
- دکترمندگاری در بخشی از رساله دکتری خود با عنوان «شناخت ضمنی مکان طرح، حضور موثر در طرحمایه معماری»، اشاره ای به این گونه معماری داشته است.

نیازهای متغیر انسان  
در مسیر رشد و تکامل

## فصل اول

- تعریف و تبیین رشد
- انواع رشد
- مراحل مختلف رشد
- عوامل مؤثر در رشد

۱- با توجه به اهمیت مطالعه مقوله رشد در جهت شناخت انسان در مسیر دستیابی وی به کمال، این فصل به تفصیل به بررسی این مقوله پرداخته است.

بی‌شک به دلیل ترویجی بودن ماهیت این مقوله و پرداختن به آن در کتابهای روانشناسی و همچنین دیگر رساله‌های دانشگاهی و... مطالعات اولیه می‌توانست به این منابع ارجاع داده شود. اما از آنجا که در فصول بعدی بخش عمده معیارهای طراحی از تحلیل این مباحث استخراج می‌شود به نظر می‌رسد که لازم است به تفصیل به بررسی آن پرداخته شود.

۲- مطالعه نیازهای انسان در «دستگاه نظام رشد» در واقع مطالعه آن نیازها، مبتنی بر حرکت انسان در مسیر رشد و رسیدن به کمال می‌باشد. در این رساله به دو علت نیازهای انسان در این دستگاه مورد مطالعه قرار گرفته است، در حالیکه می‌توانست این مطالعه در دستگاه نظام مازلو و یا هر دستگاه دیگری مورد بررسی قرار گیرد.

الف) از منظر جهان‌بینی اسلامی و از نگاه این تحقیق غایت و هدف انسان رسیدن به کمال می‌باشد و انسان در سایه رشد است که می‌تواند به آن هدف دست یابد. لذا نمی‌توان هدف انسان را از منظر یک جهان‌بینی و نیازهای وی را در جهت رسیدن به آن هدف، از منظر جهان‌بینی دیگر مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

ب) مطالعه در «دستگاه نظام رشد» می‌تواند تغییر در نیازهای انسان در رده‌های سنی مختلف را ارائه دهد.

عنوان «دستگاه نظام رشد» اصطلاحی می‌باشد که از رساله مهندس جعفر طاهری با عنوان «بازخوانی قرآنی از حکایت خانه» برداشت گردیده است.

۲- از آنجا که انسان هیچ گاه ثابت نمی‌ماند و لحظه اعتقاد نطفه تا مرگ پیوسته در حال تغییر است می‌توان گفت انسان همواره در حال «رشد» می‌باشد.

## فصل اول:

### نیازهای متغیر انسان در مسیر تکامل

مقدمه: انسان در هستی در پی دستیابی به غایت و هدف خویش واجد نیازهای متفاوتی در درون خود بوده است. از آنجا که غایت و هدف انسان دستیابی به کمال می‌باشد او باید بتواند به رشد کامل در تمام وجوه خود جهت دستیابی به این کمال دست یابد.

معماری در مقام خویش به عنوان بستر و ظرف زندگی خانواده باید بتواند انسان را در مسیر رسیدن به کمال یاری رساند. بنابراین نیاز به مطالعه و شناخت مقوله رشد در جهت تکامل و رسیدن به کمال و از سویی نقش محیط به عنوان عامل مؤثر در رشد و یاری رساندن انسان در این مسیر وجود دارد. در این فصل به مطالعه و شناخت رشد از نظر علمای اسلامی و همچنین روانشناسان معاصر می‌پردازد و در ادامه با بررسی وجوه متفاوت رشد، مراحل مختلف رشد و تحول و عوامل مؤثر بر رشد به بررسی نقش معماری به عنوان یکی از عوامل مؤثر محیطی می‌پردازد.

### ۱-۱- تعریف و تبیین رشد<sup>۱</sup>

رشد واجد مفهومی وسیع می‌باشد که همه افراد کمابیش در حرکت به سوی کمال به آن توجه داشته‌اند.<sup>۲</sup> در حقیقت رشد مقصد نهایی و غایت مطلوب افراد نمی‌باشد بلکه رسیدن به کمال واقعی که قرب حق و بالاتر از آن رضای پروردگار است از اهداف رشد می‌باشد که هر لحظه انسان را بسوی خود فرا می‌خواند.<sup>۳</sup>

انبیاء و اوصیاء به دلیل مسئولیت سنگین خویش در تربیت و هدایت انسان و گشوده بودن راه منحصر به فرد «وحی» به روی آنان، بیشترین توجه و عنایت را به مقوله رشد داشته‌اند. دیگر اندیشمندان اسلامی نیز از جمله فارابی، ابن سینا، صدر المتألهین و... نیز به این مقوله توجه داشته‌اند.

۱- احتمالاً در تعالیم اسمانی حضرت مسیح (ع) و حواریون و مسیحیت تحریف نشده حقایق نسبت به رشد انسان وجود داشته است که به علل مختلفی دستیابی به آنها به آسانی میسر نیست. از جمله پراکندگی و وجود نداشتن عنوانی به نام «رشد» که کار تحقیقی مستقلی را می‌طلبد.

مصباح، علی، روانشناسی رشد با تکرش به منابع اسلامی، جلد ۱، انتشارات سمت، ۱۳۷۵، ص ۸.  
۲- سوره مبارکه نساء، آیه شریفه ۷.

۳- شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحول انسان، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۸، ص ۱۸۲، ۱۸۴، (نقل از تفسیر المیزان، ترجمه علامه طباطبایی، جلد ۷، صفحه ۲۹۰).  
۴- سوره مبارکه بقره آیه شریفه ۱۸۶.

۵- شرفی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۴.  
۶- سوره مبارکه قصص آیه شریفه ۱۴، اشاره به حضرت موسی (ع) است که وقتی به سن عقل و رشد رسید و حد و کمال یافت ما به او مقام علم و حکم نبوت عطا کردیم و چنین پاداش به مردم نیکوکار می‌دهیم.

۷- شرفی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۴، به نقل از تفسیر المیزان، ترجمه علامه طباطبایی، جلد ۲۱، ص ۲۵.

از آنجا که رشد یکی از مقولات اصلی این پژوهش می‌باشد لازم است در ابتدا به تبیین و تعریف این مقوله و دیدگاه‌های متفاوتی که روانشناسان معاصر و علمای متون اسلامی درباره آن مطرح کرده‌اند پرداخته شود.<sup>۱</sup>

از منظر متون اسلامی واژه رشد، اشد، بلوغ، تزکیه، تربیت، نمو، نضج، بزرگ شدن، تحول و تکامل دارای معانی نزدیک به هم و در عین حال متفاوت هستند که گاه به غلط به جای یکدیگر بکار می‌روند و موجب سوء تفاهم می‌شوند. وجود اصطلاحات مشابه و اشتراکات لفظی مسئله‌ای است که تقریباً تمامی علوم بدان دچارند و بسیار بجاست در آغاز این مبحث به توضیح اصطلاحات فوق به اختصار بپردازیم تا بتوانیم از قبل آن به تبیین واژه رشد دست یابیم.

## ۱- رشد

الف) قدرت تشخیص و تمیز

«وابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان انتم منهم» (رشد) «فارفعوا الیهم اموالهم و...»<sup>۲</sup>

«یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و تمایل به نکاح پیدا کنند، آنگاه اگر آنها را واجد رشد «دانا به درک مصالح زندگانی» خود یافتید، اموالشان را به آنها باز دهید.»  
در این آیه رشد؛ «آگاهی یافتن به طریقه بهره‌گیری از سرمایه و امکانات خود در رابطه با نکاح، قدرت، پذیرش و مسئولیت اداره خانواده می‌باشد» همچنین شرط دادن مسئولیت به هر شخص را منوط به «اطمینان از رسیدن فرد به رشد» می‌داند.<sup>۳</sup>

ب) راه یافتن به سوی هدفهای زندگی

«و اذا سالک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوه الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی

لعلهم یرشدون»<sup>۴</sup>

«و چون بپرسند از تو بندگانم، درباره من، پس من به آنها نزدیکم و خواندن هر دعوت‌کننده‌ای را اجابت می‌کنم هرگاه مرا بخوانند. پس ایشان نیز باید مرا اجابت کنند و باید به من ایمان آورند. باشند که ایشان به حق برسند و از رشد یافتگان «راه یافتگان به حق» باشند.»  
به نظر می‌رسد ایمان آوردن به خداوند و پاسخگویی و اجابت دعوت وی موجب «رشد» می‌شود و بنابراین در معنای کلی با توجه به این آیه رشد به معنای: هدایت، نجات، صلاح و کمال و راه درست در پیش گرفتن آمده است و خلاف آن «غی» است و به جای هدایت آمده است.<sup>۵</sup>

## ۲- بلوغ

«ولما بلغ اشد و استوی آتیناه حکما و علما و کناک نجزی المحسنین»<sup>۶</sup>

«بلوغ اشد» به معنای آن است که انسان آنقدر زنده بماند تا نیروهای بدنیش به حد قدرت و شدت برسد و این امر غالباً در سن «هیجده سالگی» صورت می‌گیرد.

شیخ صدوق در کتاب معانی به سند خود، از محمد بن نعمان از امام صادق (ع) روایت کرده که در ذیل جمله «ولما بلغ اشد و استوی...» فرمود: بلوغ، اشدش هیجده سالگی است و ابتدائش روئیدن محاسن می‌باشد.<sup>۷</sup>